



«یگانه عظمت یک کشور، عدالت است.»

البر کامو

کامو و جنبش مقاومت در برابر فاشیسم

البر کامو از آن دسته نویسندگانی است که نیازی به معرفی ندارد. حوزه‌های ادبی و فلسفی و جنبش‌های روشنفکری فرانسه و اروپا بعد از پایان جنگ جهانی دوم - به نوعی - از آثار و افکار این نویسنده انسان‌گرا متأثر گردیده است.

کامو نویسنده‌ای است عدالت‌خواه و متعهد که با وجود تنگ‌دستی و بیماری کار رسمی و اداری را ترک می‌گوید و برای انجام رسالت‌های اجتماعی و اخلاقی و دفاع از آرمان‌های انسانی - در الجزایر سال‌های 1935 - همزمان با فعالیت‌های هنری و ادبی، با مسئولیت تمام روزنامه‌نگاری را انتخاب می‌کند¹. ایمان راسخ کامو به انسان و عدالت، کاموی جوان و ایده آلیست را بسوی کمونیزم می‌کشاند. کامو در سال 1934 عضو حزب کمونیست فرانسه، شاخه‌ء الجزایر می‌شود. کامو ازینکه عرب‌ها و مسلمانان الجزایری در سرزمین خودشان به عنوان شهروندان درجه دو از تمام حقوق اجتماعی، سیاسی و انسانی محروم اند، در میان آن‌ها تبلیغ می‌کند. حمایت کامو از دادخواهی مسلمانان الجزایر، حزب کمونیست فرانسه را برآشفته می‌سازد و به او اخطار داده می‌شود که از پشتیبانی حقوق عرب‌های الجزایری دست بردار شود؛ چیزی که به نوبه‌ء خود، کامو را خشمگین می‌سازد. کامو در سال 1935 از حزب کمونیست فرانسه استعفا داده برای همیشه با این حزب قطع رابطه می‌کند.



کامو با با پیشنهاد پاسکال پیا (Pascal Pia)، روزنامه الجزیرهء جمهوریخواه (Alger républicain) را بنیان می گذارد.²

حرفهء روزنامه نگاری کامو در «الجزیرهء جمهوریخواه» از همان آغاز با مشکلات، درد سر و خطر همراه می شود. نوشته ها و گزارش های تحقیقی کامو که در اکثر آن ها شرایط ناگوار زندگی عرب های الجزایر انعکاس داده می شد، مقامات رسمی فرانسوی را در الجزایر نسبت به کامو بدبین می سازد. کامو در یکی از گزارش های تحقیقی اش در منطقهء کابیلی 3 الجزایر، نابرابری میان عرب ها و اروپایی ها و درد و رنج اعراب را بدین گونه بیان می کند: «در سحرگاهان، در تیزی اوزو (Tizi-Ouzou) کودکان ژنده پوشی را دیدم که بالای محتویات زباله دانی بی با سگان گلاویز شده بودند. در برابر پرسش هایم، یک کابیل [اهل کابیلی] پاسخ داد: «تمام صبح ها وضع همین طور است.»

-در منطقه جمعه سریق (Djémaa-Saridj) مردان (عرب ها) از 8 تا 10 فرانک و زنان 5 فرانک در روز مزد می گیرند. در حومهء میشلی (Michelet) دستمزد متوسط روزانه زراعتی با اضافه غذا، 5 فرانک در بدل 10 ساعت کار است. ولی از همین مزد بدون آگاهی دادن طرف مقابل، بی درنگ باقی ماندهء مالیه را کثر می کنند. گاهی تمامیت مزد مصرف برداشت [مالیات] می شود .

-نوصد کودک بومی همین حالا از مکتب محروم اند...

ناشایسته است، گفته شود که مردم کابیل با فلاکت سازگار می شوند. چه فرومایه است، به زبان آورده شود که این مردم نیازهای یکسان با ما ندارند...»⁴

مقاله های کامو در مقایسه با نوشته های مطبوعات هم ریخت و رسمی الجزایر این چنین از قاطعیت و شفافیت برخوردارند؛ چیزی که دستگاه سانسور کارداران استعماری فرانسه در الجزایر را بر آن



می‌دارد تا وجود کامو در الجزایر را تهدیدی برای امنیت ملی ارزیابی نموده و بدین سان او را از الجزایر اخراج نمایند. کامو در سال 1940 مجبور می‌شود الجزیره را به قصد پاریس ترک کند . کامو بازم با پیشنهاد و سفارش پاسکال پیا در پاریس در روزنامه «عصر پاریس» (Paris-Soir) به کار آغاز می‌کند. کامو هنوز با آب و هوای پاریس خو نکرده بود که طنین چکمه‌پوشان نازی بروی خیابان‌های پاریس تا کوچه‌ها و پس کوچه‌های این شهر انعکاس می‌کند. با اشغال پاریس روزنامه‌ها عقب نشینی می‌کنند و کامو - که رومان بیگانه را به پابان رسانده است - با «عصر پاریس» راهی شهر کلرمون فران (Clermont-Ferrand) می‌شود. با همه گیر شدن سانسور و جو خفقان، کامو روز نامه «عصر پاریس» را ترک می‌کند و به شهر لیون (Lyon) پناهنده می‌شود. بعد از اقامت چند ماهه، کامو دوباره به الجزایر بر میگردد و در سال 1942 به فرانسه بازگشته و در شبکه جنبش مقاومت ضد فاشیزم هتلری به فعالیت آغاز می‌کند. نام این شبکه «جنبش آزادی بخش فرانسه» است -ائتلافی از دو جریان مقاومت- ارگان نشراتی این سازمان روزنامه‌ای است بنام «نبرد» که اولین شماره آن در دسامبر 1941 به صورت مخفیانه از چاپ بیرون می‌آید. «نبرد» از همین تاریخ به بعد هم ارگان نشراتی و هم نام این جنبش مقاومت ضد فاشستی را احتوا می‌کند.

تمام نسخه‌های «نبرد» از اولین تا آخرین شماره آن با این جمله ژورژ کلمانسو 5 آغاز می‌شود «در جنگ و همین‌طور در صلح، حرف آخر از آن کسانی است که هرگز تسلیم نمی‌شوند».

«نبرد» که تا پایان جنگ جهانی دوم به شکل زیر زمینی چاپ می‌شود، در شرایط بسیار دشوار خفقان، با نگارش مقاله‌های انتقادی، انعکاس اخبار و پخش اعلامیه‌های ضد فاشیستی نقش سازنده‌ای را در افشا و تقبیح جنایات اشغالگران نازی و اجیران داخلی شان بازی نموده، و درین راه با دادن تاوان‌های زیاد معنوی و انسانی، صدای اعتراض " انسان آزاد " و عدالت‌خواهی " وجدان بیدار " را فریاد می‌کند.



انتشار این روزنامه بعد از جنگ هم ادامه می‌یابد و کامو از 21 اگست 1943 تا 3 جون 1947 به حیث مدیر مسئول و سرمقاله نویس «نبرد» 6 به به اعتبار و وقار آن می‌افزاید.

تمامیت مقاله‌ها و سر مقاله‌های کامو در کتابی بنام «کامو در نبرد» بوسیله ژاکلین لیوی-ولانسی گردآوری و به شکل موضوعی تدوین شده است. این کتاب در 746 صفحه در سال 2002 به وسیله انتشارات گلیمر از چاپ بیرون آمده است.

ترجمه «یاغی‌ها» 7 که در آن جنایت‌های «ملیشه‌ها» و خائینی که به مردم و میهن شان پشت کرده جاده را برای اشغالگران «صاف» می‌سازند، برگرفته از همین کتاب است.

«یاغی‌ها» به گوشه‌ای از تاریخ معاصر فرانسه اشاره دارد و نیز حکایت از شرایط بسیار ناگوار و غم‌انگیز اشغال این کشور توسط نازی‌ها می‌کند. اما آنچه بیشتر کامو درین نوشته کوتاه به آن تکیه می‌کند، خیانت اجیران «خودی» (فرانسوی) است که در قضاوت و جنایت و خدمتگذاری به بیگانگان، «وجدان کرخت» شان از هیچ فرومایگی دریغ نمی‌کند؛ آنچه بدبختانه ما خود در کشور مان در طول سه دهه شاهد آن بودیم.

پاورقی

1- Camus par lui-même / « ÉCRIVAINS DE TOUJOURS » / aux éditions du seuil 1963
MORVAN LEBESQUE.

2- همان‌جا ص 20.

3- کابیلی Kabylie که ریشه عربی آن همان "قبائل" است؛ منطقه‌ای است کوهستانی که در شمال الجزایر موقعیت دارد. فرانسوی‌ها به این منطقه کابیلی و به باشندگان آن کابیل می‌گویند.

4- همان‌جا ص 40

5- ژورژ کلمانسو (1841 – 1929) Georges Clemenceau ژورنالیست و سیاستمدار فرانسوی بود. او که در سال‌های 1906 و 1909 به ترتیب وزیر داخله و نخست وزیر فرانسه شد، با استعمارگرایی مخالفت می‌کرد. روزنامه «سپیده



«دم» l'Aurore که به مدیریت او نشر می‌شد، اعتراض نامهء معروف زولا Zola را -من متهم می‌کنم- به دفاع از دریفیوز Dreyfus منتشر نمود.

6- Camus à Combat / Par JACQUELINE LÉVI-VALENSI / Édition Gallimard 2002.

7-« Les hors-la-loi »

COMBAT CLANDESTIN, N° 56, AVRIL 1944

Page 126-128

Camus à Combat

Collection : Cahiers Albert Camus

Éditeur : Gallimard

Éditoriaux ET ARTICLES D'ALBERT CAMUS

1944-1947

ÉDITION ÉTABLIE

PRÉSENTÉE ET ANNOTÉE

PAR JACQUELINE LÉVI-VALENSI

Date de parution : Novembre 2002

ISBN : 2070759423



نبرد، نسخه ۶ مخفی، شماره ۶ 56، اپریل 1944

برگرفته از کتاب: «کامو در نبرد»

سرمفاله‌ها و مقاله‌های البر کامو

1947-1944

چاپ تهیه و حاشیه‌نویسی از

ژاکلین لیوی-ولانسی

انتشارات: گلیمر 2002

ترجمهء همایون مبلغ

یاغی‌ها

ملیشه چیست؟ آدم هنگامیکه به رسانه‌های [چاپی] پاریس دست می‌یابد، در لابلای آن می‌خواند که ملیشه بزرگترین امید است و آخرین شانس. و این آخرین شانس نباید از دست برود. این‌ها همه به درک [آنچه گفته شد] کمک می‌کند. چه ملیشه از امری دفاع می‌کند و این امر برخلاف ادعای او با حفظ نظم [و امنیت عمومی] هیچگونه رابطه‌ای ندارد. ملیشه از جان و منافع، از خفت و معاملات پشت پرده بخشی کوچکی از مردم فرانسه [آن گروه از فرانسوی‌های که با اشغالگران نازی همکاری می‌کردند] دفاع می‌کند که در برابر فرانسه قد بلند کرده اند و اینک با فرا رسیدن پیروزی تهدید به نابودی می‌شوند.

ملیشه جنایت را در خدمت ذلت به کار می‌گیرد. و همینطور جنایت را در راه خدمتگذاری به خیانت.

از چهار سال بدین سو دشمن ازین که مردم فرانسه را در برابر هم‌دیگر برانگیزد، یک روز هم دست‌بردار نبوده است. [درین راستا] همه فرصت‌ها برای او مناسب بوده است. و اما به جاست، گفته شود که در کمتر از چهار سال، [دشمن] بر آن شده است که شماری اندکی از مردمان بی‌عزت [خودی] را مصمم سازد که در برابر فرانسه و عزیزترین شهروندانش دست به سلاح ببرند.



براستی، در خلال این چهار سال جنون‌آور و شرم‌ساری در میان ما رئیس‌ان دولت، وزیران و [دستگاه] پولیسی که آگاهانه و ناآگاهانه، از روی ترس یا ضعف در خیانت و یا هم در سستی و کاهلی به سود آلمان‌ها عمل کرده‌اند. و همچنان فرانسوی‌های هم وجود داشته‌اند که در جبهه‌های دوردست به جنگ رفته‌اند تا از آرمان‌آنانی [نازی‌ها] دفاع کنند که میهن‌شان [فرانسه] را شکنجه می‌کرده‌اند. چهار سال تمام لازم بود برای اینکه سپاهی از جیره‌خواران مزدور و سفاک بسیج شده [با اراده] مصمم به دشمن فرانسه بر ضد خود فرانسه یاری رسانند. چهار سال تبلیغات آلمان می‌بایست تا پرده از [روی] «قهرمان دو جنگ I» بردارد که می‌پذیرد مدال‌های افتخاری اش را در پست‌ترین و منحط‌ترین اعمال پولیس به کثافت بکشد.

این مردمان آفتابی شده‌اند و موجودیت‌شان به ذات‌خود برای عدالت مشکل خلق می‌کند. چنانچه همیشه پیش می‌آید، سگانارل بر آن است تا بهتر از دون ژوان عمل کند II، مزدور از ارباب هم مبالغه می‌کند. در چنین موقعی، [اربابان] متیقن‌اند که پیش‌خدمتان [شان] روش و آداب [مزدوری] را نیکو آموخته‌اند.

آنها [درحالیکه] خودشان را پاسدار امنیت جا می‌زنند، با بی‌باکی تمام زن و شوهری کهن سالی را می‌ربایند، در میدان‌گاهی برهنه‌ای شان نموده و با وسایل پیشرفته شکنجه، نابود شان می‌کنند. آنها [از یک طرف] ادعای تعلق به فرانسه قهرمان I را می‌کنند و [از سوی دیگر] طوری که در همین تازگی در نیس IIINice پیش آمد از آلمان‌ها شش شهروند فرانسه را تحویل می‌گیرند که (اکثر شان به دلایل باطل) توسط گشتاپو IV دستگیر شده‌اند تا آنها را شکنجه نموده قیافه‌های شان را [با ضربه مشت و لگد] خرد و خمیر نمایند و رهسپار گور شان کنند. آنها جار می‌زنند که مدافعان قانون‌اند ولی میهن‌پرستان را در برابر دادگاه اوپاشان قرار داده بعد از یک محاکمه نمایشی، بلافاصله به رگبار می‌بندند. قهرمان دو جنگ I ادعا بر ادامه یک سنت پسندیده فرانسوی می‌کند که گویا از گروگان‌گیری، کشتن روشنفکران و کارگران، شکنجه و اهانت کردن مایه می‌گیرد و



سپس با بهره‌برداری از حمایت مطبوعات مزدور، دروغ و دشنام نثار قربانیان خویش می‌کند. ولی در حقیقت، این سنتی است که ما آن را خوب می‌شناسیم. این سنت در آن سوی راین [آلمان] در قلب قهرمان جنگ دیگری زاده شده است. در موقف آقای درنان Darnand¹، این نه یک سنت که یک خیانت است.

و درست همین [خیانت] است که دشواری اجرای عدالت را آسان می‌سازد. زیرا، اگر برای آنانی که خیانت کرده‌اند، پسندیده است که ظواهر دادگاه رعایت شود، ملیشه ازین چشم‌انداز خود قانون شکنی کرده است.

بایستی بسیار روشن باشد که هر ملیشه همزمان با امضای تعهد خود [به نازی‌ها]، بر حکم اعدام خود مهر زده است. با به پاخواستن علیه فرانسه، ملیشه‌ها خود شان را خود از فرانسه رانده‌اند. شاخه‌های فاسد یک درخت نباید بر تنه‌ی آن متصل بماند. باید آنها از جا برکنده شده، خورد و ریز گردند و به زمین پرتاب شوند. و این سرنوشتی است که هر یک از جانیان دارنان Darnand¹ انتظار آن را می‌کشند. دادگاه‌های نظامی بیهوده خواهند بود. ملیشه به ذات خود، خود محکمه‌ء خودش است. او خود، خودش را محکمه نموده و حکم اعدام اش را صادر کرده است. احکام دادگاه به اجرا خواهند آمد.

1 دارنان ژوزف (1897-1945) Darnand, Joseph، قهرمان کوماندو های جنگ 1914-1918 [جنگ اول جهانی] ستیزه‌گر فعال افراطی راست در بطن جنبش Action française در فاصله دو جنگ [جهانی] بود. پیش‌قراول همکاری با آلمان [نازی]، معاون وزیر داخله در دولت ویشی Vichy، بنیان‌گذار اداره امنیت سربازان و ملیشه‌ها که به وسیله او رهبری می‌شد و هدف آن پیکار بر علیه جنبش مقاومت بود. او اول با پیته Pétain به سیگمارینگین



Sigmaringen و سپس به ایتالیا رفت و در آنجا دستگیر شده، محکوم به مرگ گردید و در 10 اکتوبر 1945 تیرباران شد.

توضیحات [از مترجم]

I هدف از «فهرمان دو جنگ» ژوزف دارنان **Joseph Darnand** و به ویژه مارشال پیته **Pétain** است که هر دو در جنگ اول جهانی با پیروزی در برابر آلمان به عنوان قهرمانان جنگ تجلیل شدند و صاحب القاب و مدال‌های افتخاری ملی گردیدند. در جنگ دوم جهانی با شکست و اشغال فرانسه بوسیله آلمان نازی، پیته و دارنان از همکاری با آلمان نازی هواداری نموده، اولی با هیتلر در 24 اکتوبر 1940 به عنوان رئیس دولت معاهده «صلح» را امضا نمود و دومی در اگست 1941 اداره امنیت نظامی را بنیان نهاد که پسان‌ترها از سوی پیته با اعطای خودمختاری عام و تام و با ریاست دارنان به سازمان مخوف امنیتی ملیشه‌ها ارتقا یافت. این سازمان با اعمال ترور، اختناق و شکنجه در میان اقشار مختلف مردم و جنبش مقاومت دست به جنایت‌های بی‌شماری زد.

II اشاره به یکی از نمایشنامه‌های مولیر (**1673-1622 Molière**) نمایشنامه‌نویس فرانسوی است. این اثر که بنام «دوم ژوان و یا بزم سنگ» در سال 1665 خلق شده است، چهره بی‌پیمان، قول‌شکن، افسونگر، بی‌بند و بار و کفرگویی را - که همان دون ژوان باشد- به نمایش می‌گذارد که تنها به هیچ اصل اخلاقی احترام نمی‌گذارد بلکه آن را به استهزا هم می‌گیرد و سگانارل پیشخدمت او است.

Nice III نیس شهر است در جنوب فرانسه.

IV گشتاپو، حروف اول این واژه‌های آلمانی است: **Geheime Staatspolizei** - پولیس مخفی دولت.

V فرانسوی‌ها به آلمان، آن سوی راین می‌گویند **Outre-Rhin**. این همان دریای راین است که در هر دو کشور آلمان و فرانسه جاری است.